

## طرح غدیر در همه جا

نویسنده : محمد محمدیان تبریزی

با اینکه بیشتر مسلمانان صحت حدیث غدیر و اعلام ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام را پذیرفته اند و غالباً آن را از احادیث قطعی و متواتر می دانند، باز گروهی چنین می پرسند: اگر واقعا حادثه غدیر خم اتفاق افتاده و بسیاری نیز شاهد آن بوده اند، چرا شخص امیرمؤمنان علیه السلام برای اثبات حقانیت خود هرگز از آن بهره نگرفت؟

در باور این گروه عدم استشهاد حضرت به حدیث غدیر نشان دهنده این حقیقت است که یا واقعه ای به نام غدیر در تاریخ تحقق نیافته، یا بر فرض تحقق بر امامت حضرت دلالت نداشته است.

در پاسخ این مطلب باید گفت: اگر حدیث غدیر را از احادیث قطعی و متواتر ندانیم، باید بپذیریم که در میان احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مطالب تاریخی مورد قطعی و متواتر وجود ندارد؛ علاوه بر این، این ادعا که امیرمؤمنان علیه السلام برای اثبات حقانیت خود به حدیث غدیر استناد نکرده، خود شاهد بی اطلاعی و نا آگاهی گوینده آن است .

بررسی اجمالی کتابهای معتبر و مورد قبول فرقه های گوناگون اسلامی نشان می دهد که حضرت علی علیه السلام بیش از ۲۲ بار پیرامون غدیر و استشهاد به آن سخن گفته است . هر چند این موارد در حوصله این مقاله نمی گنجد و نیازمند رصد بیشتر است، ولی برای نمونه تنها ده مورد آن را نقل و در بقیه موارد تنها به ذکر منابع بسنده می کنیم.

### در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- برابر آنچه از منابع تاریخی به دست می آید اولین موردی که حضرت علی - علیه السلام - حدیث غدیر را مطرح فرمود، بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

وقتی حضرت را برای بیعت به مسجد آوردند، ان بزرگوار با بیان حقانیت خود خلافت مسلمین را از ان خویش دانست و از بیعت امتناع کرد. بشیر بن سعد انصاری برخاست و گفت: ای ابوالحسن، اگر انصار قبل از بیعت با ابوبکر این کلام را می شنیدند، حتی دو نفر در باره بیعت با شما اختلاف نمی کردند.

### حضرت در جواب فرمود:

«یا هؤلاء اکت ادع رسول الله مسجی لا اواربه و اخرج انازع فی سلطانه؟ و الله ما خفت احدا یسمو له و ینازعنا اهل البیت فیه و یستحل ما استحلتموه، و لا علمت ان رسول الله ﷺ ترک یوم غدیر خم لاحد حجة و لا لقائل مقالا. فانشد الله رجلا سمع النبی ﷺ یوم غدیر خم یقول: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله» ان یشهد الان بما سمع». (۱)

آیا باید پیکر رسول خدا ﷺ را بر روی زمین رها می کردم و قبل از کفن و دفن آن حضرت، در باره خلافت و جانشینی وی نزاع می کردم؟ مساله خلافت چنان روشن بود که گمان نمی کردم کسی در صدد دستیابی به آن باشد و در این موضوع با اهل بیت پیامبر ﷺ درگیر شوند. مگر رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم حجت را بر مردم تمام نکرد و مگر جای عذری برای کسی باقی مانده بود؟

همگان را به خدا قسم می دهم، هر کس کلام پیامبر اکرم ﷺ در روز غدیر خم را شنیده است که می فرمود: «هر کس که من مولای او هستم اینک علی مولای اوست. خداوندا، هر کس علی را دوست دارد دوست بدار و آن که علی را دشمن بشمارد، دشمن دار، هر کس علی را یاری کند یاری کن، و هر که علی را خوار کند، خوار ساز.» برخیزد و شهادت دهد.

زید بن ارقم می گوید: بعد از این سخن حضرت، دوازده تن از اصحاب جنگ بدر برخاستند و گواهی دادند. اما من، با آنکه این گفتار را از زبان رسول الله ﷺ شنیده بودم، از ادای شهادت خودداری کردم و بر اثر همین امر و نفرین حضرت بینایی ام را از دست دادم.

### در خطبه وسیله

۲- هفت روز پس از وفات پیامبر اکرم ﷺ امیرمؤمنان (علیه السلام) در مدینه خطبه ای بسیار بلند ایراد فرمود که به خطبه "وسیله" معروف شد. حضرت در آن خطبه به واقعه غدیر خم و نزول آیه اکمال دین در آن روز تصریح می کند .

ثقة الاسلام کلینی، در روضه کافی، خطبه وسیله را نقل کرده است. در بخشی از ان چنین می خوانیم

«... و قوله صلى الله عليه و اله حين تكلمت طائفة فقالت: نحن موالى رسول الله ﷺ فخرج رسول الله ﷺ الى حجة الوداع ثم صار الى غدیر خم، فامر فاصح له شبه المنبر ثم علاه و اخذ بعضدى حتى رى بياض ابطيه رافعا صوته قائلا في محفله: «من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» فكانت على ولايتى ولاية الله و على عداوتى عداوة الله. و انزل الله عزو جل في ذلك اليوم: اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتى و رضيت لكم الاسلام دينا (۲) فكانت ولايتى كمال الدين و رضا الرب جل ذكره...» (۳)

[در اواخر عمر پیامبر اکرم ﷺ]، وقتی گروهی گفتند: ما بعد از پیامبر رهبران مردم هستیم، رسول خدا ﷺ برای حجة الوداع از مدینه خارج شد و پس از اعمال حج به وادی غدیر خم شتافت، فرمان داد چیزی مانند منبر برایش آماده کردند. سپس بالای آن رفت، و بازوی مرا گرفت و بلند کرد، به گونه ای که سفیدی زیر شانه هایش دیده شد. آنگاه با آواز بلند فرمود:

هر کس که من مولای او هستم على مولای اوست. خدایا، دوستش را دوست‌بدار و دشمنش را دشمن شمار. پس ولایت من معیار ولایت خدا و دشمنی با من میعار دشمنی با خدا شد؛ و خداوند در همان روز این آیه را نازل فرمود:

امروز دین شما را کامل ساختم، نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم.

پس ولایت من کمال دین و رضایت پروردگار جل ذکره شد ... .

### در شورای شش نفره

۳- در شورای منتخب خلیفه دوم برای تعیین خلیفه، که امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز در شمار آنان جای داشت، استدلال های فراوانی از حضرت نقل شده که در کتابهای تاریخ و حدیث به «حدیث الانشاد» یا «حدیث المناشدة» معروف است. امام (علیه السلام) در یک از استدلال های خود به حدیث غدیر خم استناد کرده است .

ابن مغزلی شافعی (متوفای ۴۸۳)، در کتاب المناقب، سخن علی (علیه السلام) را چنین نقل می کند:

«فانشدكم بالله، هل فيكم احد قال له رسول الله ﷺ: «من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، ليبلغ الشاهد منكم الغائب» غيري؟ (۴) قالوا: اللهم لا.»

شما را به خدا سوگند می‌دهم، در جمع شما غیر از من کسی هست که پیامبر در باره او فرموده باشد: «هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست، خدایا، دوستدارش را دوست‌بدار و دشمنش را دشمن بشمار، حاضران باید این مطلب را به غائبان برسانند؟ اعضای شورا گفتند: به خدا سوگند، نه» .

### در روزگار عثمان

۴- در ایام خلافت عثمان جمعی از مهاجران و انصار در مسجد النبی ﷺ گرد آمده، پیرامون فضایل و سوابق قریش و انصار سخن می‌گفتند و از سخنان پیامبر اکرم ﷺ در باره قریش و انصار بهره می‌جستند. حضرت علی (علیه السلام) نیز در این مجلس حضور داشت و به سخنان آنان گوش می‌داد. گروهی از حضرت خواستند که او نیز سخنی بگوید.

حضرت پاره‌ای از سوابق و مناقبش را برشمرد و حاضران بر درستی گفتارش گواهی دادند. آنگاه امام به حدیث غدیر اشاره کرد و فرمود:

«افتقرون ان رسول الله ﷺ دعانی يوم غدیر خم فنادی لی بالولاية ثم قال: لیبلغ الشاهد منکم الغائب؟» قالوا: اللهم نعم. (۵)

آیا قبول دارید که رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم مرا خواست، ولایتم را به مردم ابلاغ کرد و فرمود حاضران باید این مطلب را غایبان برسانند؟

حاضران گفتند: آری .

### در میدان جنگ جمل

۵- قبل از شروع جنگ جمل، حضرت برای اتمام حجتی دیگر به طلحه پیام داد تا با وی دیدار کند. طلحه نیز پذیرفت و به حضور امیرمؤمنان (علیه السلام) شتافت. حضرت به وی فرمود:

«نشدتک الله هل سمعت رسول الله ﷺ يقول: «من کنت مولاة فعلى مولاة، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»؟

قال: نعم. قال ﷺ «فلم تقاتلنی؟» قال: لم اذکر. (۶)

تو را به خدا سوگند می‌دهم، ایا شنیدی که رسول الله ﷺ می‌فرمود: «هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست، خدایا هر کس او را دوست دارد دوست‌بدار و هر کس او دشمنی می‌کند دشمن‌بدار؟؟»

طلحه گفت: آری شنیده‌ام:

حضرت فرمود: پس چرا با من می‌جنگی؟

طلحه جواب داد: فراموش کرده بودم .

### در صحنه صفین

۶- در جنگ صفین، هنگامی که فرستاده‌های معاویه به حضور امیرمؤمنان - علیه‌السلام - رسیدند تا به اصطلاح بین حضرت و معاویه صلح برقرار سازند، حضرت خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود:

«انشد کم الله فی قول الله: (یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) (۷) و قوله: (انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون) (۸)

ثم قال: (و لم یتخذوا من دون الله و لا رسوله و لا المؤمنین ولیجة)، (۹)

فقال الناس: یا رسول الله، اخاص لبعض المؤمنین ام عام لجمعهم؟ فامر الله عز و جل رسوله ان یعلمهم فیمن نزلت الایات و ان یفسر لهم من الولاية ما فسر لهم من صلاتهم و صیامهم و زکاتهم و حجهم. فنصبتنی بغدیر خم و قال: «ان الله ارسلنی برسالة ضاق بها صدری و ظننت ان الناس مکذوبون، فواعدنی لابلغنها او یغذبنی، قم یا علی»

ثم نادى بالصلاة جامعة فصلی بهم الظهر ثم قال: «ایها الناس، ان الله مولای و انا مولى المؤمنین و اولی بهم من انفسهم، الا من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، و انصر من نصره و اخذل من اخذله.»

فقام الیه سلمان الفارسی فقال: یا رسول الله و لاه کما ذا؟

فقال: «ولاه کولایتی، من كنت اولی به من نفسه فعلى اولی به من نفسه.» و انزل الله تبارک و تعالی: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا)... (۱۰) «(۱۱)

شما را به خدا سوگند می‌دهم، در باره این آیات:

«ای مؤمنان، از خدا و پیامبر و صاحبان امر خود پیروی کنید؛» «صاحب اختیار و ولی شما خدا و پیامبرش و کسی است که نماز را به پا داشته، در حال رکوع زکات می‌دهد» و «غیر از خدا، پیامبر و مؤمنان را دوست صمیمی به شمار نیاوردید.»

مردم از رسول خدا ﷺ سؤال کردند: آیا مراد از «مؤمنان» در این آیات بعضی از آنهاست یا همه آنان را شامل می‌شود؟ خداوند به پیامبرش دستور داد تا به آنان بفهماند که این آیات در باره چه کسی نازل شده است و ولایت را برای آنها تفسیر کند چنانکه نماز، روزه، زکات و حج را تفسیر کرد. پیامبر ﷺ برای امتثال امر خدا، در غدیر خم مرا به خلافت منصوب کرد و فرمود:

«خداوند مرا به رسالتی فرستاده است که سینه ام از آن به فشار آمده، گمان می‌کنم مردم مرا تکذیب خواهند کرد؛ ولی خداوند مرا تهدید کرد و فرمود: این پیام را برسانم و گرنه مرا عذاب می‌کند. ای علی برخیز.»

سپس مردم را برای نماز جماعت فرا خواند، و نماز ظهر را با آنان خواند و فرمود: ای مردم، خداوند مولای من است، من مولای مؤمنینم و اختیارم بر مؤمنین از خود آنان بیشتر است، بدانید هر که من مولای او هستم علی مولای اوست خداوندا، هر که علی را دوست دارد دوست‌بدار و آن که علی را دشمن دارد دشمن‌بدار، هر کس علی را یاری کند یاری کن و هر که علی را یاری نکند خوار کن.

در اینجا سلمان فارسی برخاست و گفت: یا رسول الله، ولایت و اختیار او بر مردم چگونه است؟ حضرت فرمود: اختیارات او مانند اختیارات من است، هر کس اختیار من به او از خود او بیشتر بوده، علی هم اختیارش بر او از خودش بیشتر است.

و خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: امروز دین شما را کامل کردم، نعمتم را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد.

۷- امام علی علیه السلام بارها مردم را مسجد کوفه جمع کرد و فرمود که، هر کس در غدیر خم حضور داشته، حدیث غدیر را از زبان پیامبر اکرم شنیده است برخیزد و شهادت دهد.

هر بار حضرت چنین خواسته ای را بیان کرده، جمعی از بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله اجابت کرده، شهادت دادند که، ما در غدیر خم این سخن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده ایم .

این بخش از استشهدات حضرت چنان گسترده و متنوع است که، بی هیچ اغراقی گردآوری منابع آن کتابی می‌طلبد .

احمد بن حنبل در مسند خود داستان یکی از گواه جویی های حضرت را چنین نقل می‌کند :

علی علیه السلام مردم را در رحبه (یکی از میادین کوفه) گرد آورد و فرمود:

«انشد الله کل امرئ مسلم سمع رسول الله صلی الله علیه و آله یقول یوم غدیر خم ما سمع لما قام.»

به خدا سوگند می‌دهم هر مسلمانی که در روز غدیر خم گفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را شنیده است برخیزد و شهادت دهد .

### احمد بن حنبل می‌افزاید :

به گفته ابی الطفیل سی تن از مردم برخاستند ولی ابونعیم نقل می‌کند که بسیاری از مردم برخاسته، شهادت دادند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در غدیر خم در حالی که دست حضرت علی را گرفته بود، مشاهده کردند که می‌فرمود: «آیا می‌دانید که من به مؤمنین از خود آنان سزاوارترم؟» مردم در جواب عرضه داشتند : آری چنین است، ای رسول خدا. آنگاه فرمود: «هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست. خدایا، دوستدار وی را دوست‌دار و با دشمن وی دشمن باش .

## ابی الطفیل که راوی این حدیث است، می گوید :

من از جمع مردم خارج شدم. در حالی که پذیرش این حدیث برایم مشکل بود و در تردید به سر می بردم، به ملاقات زید بن ارقم رفتم و آنچه از علی علیه السلام در آن روز دیده و شنیده بودم با وی در میان گذاشتم.

زید بن ارقم گفت: حق همان است که شنیده ای. من خود همه آن مطالب را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام. (۱۲)

## در میدان کوفه

۸- امام علی علیه السلام در خطبه ای، که در رحبه کوفه ایراد کرد، به واقعه غدیر و گفتار پیامبر اکرم (ص) در آن تمسک جست. ولی در این محفل انس بن مالک، که در غدیر حضور داشت، مصلحت اندیشی پیشه کرده، از گواهی دادن سر باز زد .

## ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه چنین نقل می کند :

«المشهور ان علیا علیه السلام ناشد الناس الله فی الرحبة بالكوفة، فقال: انشدکم الله رجلا سمع رسول الله صلی الله علیه و آله، یقول لی و هو منصرف من حجة الوداع: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، فقام رجال فشهدوا بذلك. فقال علیه السلام لانس بن مالک: «لقد حضرتها فما بالك؟. فقال: یا امیرالمؤمنین کبرت سنی و صار ما انساه اکثر مما اذکر. فقال [علی علیه السلام] له: ان کنت کاذبا فضربک الله بها بیضاء لا تواریها العمامة. فما مات حتی اصابه البرص». (۱۳)

مشهور است که علی علیه السلام در رحبه کوفه مردم را سوگند داد و گفت: به خدا سوگند می دهم هر کس در بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة الوداع از آن حضرت شنید که در باره من فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» برخیزد و گواهی دهد. مردانی برخاستند و گواهی دادند.

سپس علی علیه السلام به انس بن مالک فرمود: تو نیز آن روز حضور داشتی، چه شده است [که گواهی نمی دهی]؟

انس گفت: یا امیرالمؤمنین علیه السلام، سن من زیاد شده و آنچه فراموش کرده ام بیش از چیزهایی است که به یاد دارم.

حضرت فرمود: اگر دروغگو باشی، خداوند تو را به چنان سفیدی مبتلا کند که حتی عمامه نیز آن را پنهان نسازد.

پس انس قبل از آنکه بمیرد مبتلا به پیسی شد .

۹- حضرت علی علیه السلام بارها در مسجد کوفه نیز به واقعه غدیر و سخن رسول خدا در آن روز تمسک جست .

زید بن ارقم چنین نقل می کند :

«نشد علی علیه السلام الناس فی المسجد فقال: انشد الله رجلا سمع النبي صلى الله عليه وسلم يقول: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. فقام اثنا عشر بدریا، ستة من الجانب الايمن و ستة من الجانب الايسر، فشهدوا بذلك. و كنت انا فيمن سمع ذلك فكتمته، فذهب الله ببصرى». (۱۴)

علی علیه السلام مردم را در مسجد سوگند داد و فرمود: به خدا سوگند می دهم هر که گفتار پیامبر صلى الله عليه وسلم را شنید که فرمود: هر که من مولا و فرمانروای اویم علی مولای اوست، خدایا هر که او را دوست دارد دوست‌بدار و هر که او را دشمن دارد دشمن دار؛ برخیزد و گواهی دهد. پس دوازده تن از اهل بدر، شش تن از سمت راست و شش تن از سمت چپ، برخاستند و بدان گواهی دادند. من نیز از کسانی بودم که این سخن را از پیامبر صلى الله عليه وسلم شنیده بودم، ولی آن روز از گواهی خودداری کردم و خداوند بینایی را از من گرفت .

به نوشته تاریخ نگاران او برای شهادتی که نداده بود افسوس می خورد، اظهار پشیمانی می کرد و از خدا آمرزش می طلبید .

## پس از جنگ نهروان

۱۰- پس از جنگ نهروان امیرمؤمنان علی علیه السلام نامه ای خطاب به شیعیان خود نوشت و ده نفر از بزرگان کوفه را که مورد اعتماد بودند، مامور کرد تا هر جمعه در حضور آنها این نامه برای مردم قرائت شود .

حضرت در بخشی از این نامه بر حق ولایت خود استدلال می کند و می فرماید:

«و اما حجتی انی ولی هذا الامر من دون قریش، ان نبی الله صلی الله علیه و آله قال: «الولاء لمن اعتق» فجاء رسول الله صلى الله عليه وسلم بعثت الرقاب من النار، و اعتقها من الرق، فكان للنبي صلی الله علیه و آله، ولاء هذه الامة، و كان لی بعده ما كان له، فما جاز لقریش من فضلها علیها

بانبی صلی الله علیه و اله، جار بنی هاشم علی فریث، و جار لی علی بنی هاشم یفعل النبی ﷺ یوم غدیر خم «من نسب مولاه فعلی مولاه»، الا ان تدعی قریش فضلها علی العرب بغير النبی ﷺ. فان شاءوا فلیقولوا ذلک...» ( ۱۵ )

دلیل من بر اینکه من ولی امرم نه سایر قریش، این است که پیامبر ﷺ فرمود: «ولایت برای کسی است که آزاد کرده است؛ و چون رسول الله ﷺ مردم را از قید بندگی و آتش جهنم آزاد کرد پس بر امت ولایت دارد. بعد از آن حضرت، همان ولایت او از آن من است؛ زیرا هر فضیلتی که قریش بر سایر امت دارد به سبب پیامبر ﷺ است و ابا توجه به این معیار [ بنی هاشم بر قریش فضیلتی آشکارتر دارد؛ و من همان فضیلت را بر بنی هاشم دارم، زیرا رسول خدا در روز غدیر خم فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه.» مگر آنکه قریش ادعا کند به دلیلی جز انتساب به پیامبر بر عرب برتری دارد، پس اگر می خواهند چنین بگویند، بگویند ...

در پایان مقاله برای تکمیل بحث، فهرست بقیه مواردی که حضرت علی ﷺ به حدیث غدیر استناد کرده است، ذکر می شود :

## موارد دیگر

۱- طولانی ترین کلامی، که پیرامون غدیر خم و عظمت آن از حضرت علی ﷺ نقل شده است، خطبه ای است که در جمعه ای که با سالگرد غدیر خم مصادف بود در کوفه ایراد شده است.

شیخ طوسی در صفحه ۷۵۲ مصباح المتهجد این خطبه را بطور کامل آورده است و علامه مجلسی در جلد ۹۷ بحار الانوار آن را از «مصباح الزائر» سید بن طاووس نقل می کند .

۲- امیر مؤمنان علی ﷺ در نامه ای، که در قالب نظم برای معاویه فرستاد، به حدیث غدیر تصریح کرده است. کتابهای زیر بخشی از منابعی است که این ابیات در آنها دیده می شود:

الف. «الفصول المهمة»، ابن الصبغ المالکی، ص ۱۵.

ب. «تذکره الخواص»، ابن الجوزی، ص ۱۰۳.

ج. «فوائد السمطین»، حموی، ج ۱، ص ۴۲۷.

د. «الفصول المختارة»، شیخ مفید، ج ۲، ص ۷۰.

ه. «الاحتجاج»، طبرسی، ج ۱، ص ۴۲۹.

۳- همچنین اشعار بسیار زیبایی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است، که امام علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش به حدیث غدیر خم تمسک جسته است. این اشعار در صفحه ۷۸ «ینابیع المودة» قندوزی حنفی، صفحه ۵۴۰ دیوان منسوب به امیرالمؤمنین و صفحه ۳۲ جلد دوم «الغدیر» نقل شده است.

۴- حضرت علی علیه السلام در مجلسی که انس بن مالک، براء بن عازب، اشعث بن قیس و خالد البجلی حضور داشتند، خطبه ای ایراد کرد و از این چهار تن خواست که بر درستی حدیث غدیر گواهی دهند. ولی هر چهار تن به خاطر ملاحظات سیاسی از ادای شهادت خودداری کردند. حضرت در باره هر یک آنها دعایی کرد که به اجابت رسید. شیخ صدوق رحمته الله در کتابهای «الخصال» و «امالی» خود از این واقعه یاد کرده است. این مطلب در جلد دوم، «مناقب آل ابی طالب» ج ۲ و جلد ۳۱ و «بحار الانوار» نیز نقل شده است.

۵- داستان نفرین حضرت در باره کسانی که حدیث غدیر را کتمان کردند در منابع معتبر بسیار آمده است. «انساب الاشراف»، «اسد الغابة»، «مسند احمد»، و «البدایة و النهایة» بخشی از روایات این واقعه شمرده می شوند.

۶- امیر مؤمنان علی علیه السلام در روایتی طولانی هفتاد فضیلت ویژه خود را بیان کرده، در ضمن آنها از حادثه غدیر خم نیز سخن گفته است. این روایت را شیخ صدوق رحمته الله در جلد دوم کتاب «الخصال» آورده است.

۷- همچنین در صفحه ۱۶۶ کتاب «بشارة المصطفى» حادثه غدیر و سخنان پیامبر اکرم (ص) در آن روز از زبان علی علیه السلام نقل شده است.

۸- حضرت علی علیه السلام هنگام عزیمت به سوی شام برای جنگ با معاویه، در یکی از منازل بین راه، خطبه ای نسبتاً طولانی ایراد کرد، او ضمن تشویق یارانش به جهاد در راه خدا به حدیث غدیر استناد جست و مردم را به اطاعت از خود دعوت کرد. این خطبه را شیخ مفید رحمته الله در جلد اول کتاب «ارشاد»، طبرسی در جلد اول «الاحتجاج» و علامه مجلسی در جلد ۳۲ و ۳۴ «بحار الانوار» نقل کرده اند.

۹- قضیه معمم شدن امیرمؤمنان علی - علیه السلام - به وسیله پیامبر اکرم ﷺ در روز غدیر، از مواردی است که حضرت پیرامون غدیر خم صحبت کرده است. ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمة» این کلام حضرت را نقل کرده است. علامه امینی در جلد اول «الغدیر» از چندین منبع دیگر اهل سنت نام برد که این حدیث را نقل کرده اند .

۱۰- حضرت علی علیه السلام در جواب سؤال کسی که گفت: مهمترین فضیلت خود را از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کنید، به حادثه غدیر و وجوب ولایت خود اشاره می کند . این روایت را طبرسی در جلد اول کتاب «الاحتجاج» نقل کرده است. کتاب سلیم بن قیس و جلد چهارم «بحارالانوار» نیز از منابع این حدیث شمرده می شود .

۱۱- حضرت علی علیه السلام ، در توضیح حدیث «ان حدیثنا اهل البيت صعب مستعب»، حدیث غدیر را بیان کرده، از آزمون مؤمنان در این مسیر سخن گفته است. این روایت در صفحه ۵۵ تفسیر «فرات کوفی» و نیز جلد ۲۵ «بحارالانوار» دیده می شود .

۱۲- ابن عساکر شافعی در جلد دوم «تاریخ دمشق» به طرق مختلف حدیث غدیر را از زبان علی - علیه السلام - نقل کرده است. همچنین ابن مغزالی شافعی در صفحه ۲۱ کتاب «المناقب»، ابن کثیر در جلد پنجم «البدایة و النهایة» و هیثمی در جلد نهم «مجمع الزوائد» سخنان حضرت را نقل کرده اند.

به امید آنکه در پرتو نور غدیر به حریم ولایت راه یابیم و از سرچشمه حیات طیبه اهل بیت - علیهم السلام - حیاتی نو به دست آوریم .

### پی نوشت ها:

۱- احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۸۴؛ الامامة و السياسة، ص ۲۹ - ۳۰؛ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۱۸۵.

۲- مائده، ۳.

۳- الروضة من الکافی، ج ۸، ص ۲۷.

- ۳- مناقب ابن معازلی، ص ۱۱۲؛ مناقب الخوارزمی، ص ۱۱۱؛ امالی، شیخ طوسی، ص ۱۱۱؛ همان، ص ۵۳۲؛ همان، ص ۵۵۵؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۳۳۳ و ۲۱۳؛ کشف الیقین، ص ۴۲۳؛ فوائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۵؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۵۹.
- ۵- کتاب سلیم بن قیس، حدیث ۱۱، ص ۶۴۱؛ فوائد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۲؛ الغدیر، ج ۱، ص ۱۶۳.
- ۶- مناقب الخوارزمی، ص ۱۸۲؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۷۱؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۳؛ تذکره الخواص، ابن جوزی، ص ۷۳؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۷.
- ۷- النساء، ۵۹.
- ۸- المائده، ۵۵.
- ۹- التوبه، ۱۶.
- ۱۰- المائده، ۳.
- ۱۱- کتاب سلیم بن قیس، ص ۷۵۸؛ الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۵؛ احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۴۱؛ فوائد السبطين، ج ۱، ص ۳۱۴؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۷۴؛ بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۴۷.
- ۱۲- مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۷۰؛ این حدیث در صدها کتاب شیعه و سنی با عبارات مختلف نقل شده است.
- ۱۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۱۷؛ المعارف، ابن قتیبه، ص ۵۸۰؛ انساب الاشراف، بلاذری، ج ۲، ص ۱۵۶؛ حلیه الاولیاء، ج ۵، ص ۲۶؛ الارشاد، شیخ مفید، ج ۱، ص ۳۵۱؛ کشف الیقین، علامه حلی، ص ۱۱۰؛ الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۳.
- ۱۴- الارشاد، شیخ مفید، ج ۱، ص ۳۵۲؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۷۴؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۶؛ مناقب، ابی مغازلی شافعی، ص ۲۳؛ العمده، ص ۱۱۰، الغدیر، ج ۱، ص ۱۶۷.
- ۱۵- کشف المحجّه، سید بن طاووس، ص ۲۴۶. معادن الحکمه فی مکاتیب الائمه، فصل ۲؛ بحار، ج ۳۰، ص ۷.

منبع: سایت تخصصی منبرها

دفتر مطالعات، پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی

مرکز رسیدگی به امور مساجد